



عکس کمتر دیده شده از سردار شهید سلیمانی و عادل عبدالمهدی

## «عادل عبدالمهدی» نخست وزیر پیشین عراق در گفت و گویی در سالگرد شهادت سردار سلیمانی مطرح کرد ناگفته‌هایی از تغییر نامه سعودی‌ها و پیام شهید سلیمانی

### گزارش

همزمان با فرا رسیدن چهارمین سالگرد ترور سردار رشید اسلام، شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس، فرمانده نیروهای حشد الشعبی عراق، خبرگزاری تسنیم در گفت‌وگویی اختصاصی با عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر وقت عراق به بازخوانی خاطرات ده‌ها آشنایی و هم‌نشینی این سیاستمدار ارشد عراقی با سردار سلیمانی بویژه جزئیات شهادت ایشان پرداخته است که در ادامه از زبان عبدالمهدی خواهید خواند.

**زمان و چگونگی آشنایی با سردار شهید سلیمانی**  
من خاطرات فراوانی از سردار سلیمانی در ذهن دارم اما فکری می‌کنم صحبت کردن در مورد نخستین بار بسیار آسان تر باشد. من در زمان رژیم صدام حسین به‌عنوان یکی از نیروهای معارض عراقی (معارض با صدام) با شهید سلیمانی که آن زمان مسئولیت پرورده عراق را به‌عهده داشت ارتباط داشتم. جلسات ما عمدتاً به‌صورت دونفره یا با حضور بقیه رهبران کردان‌های بدر بویژه شهید محراب سید باقر حکیم انجام می‌گرفت. در این جلسات وضعیت آینده سیاسی عراق پس از سرنگونی رژیم صدام حسین مورد بررسی قرار می‌گرفت و مسائلی همچون نحوه مبارزه و برقراری ارتباط بین جریان‌ها و گروه‌های سیاسی حاضر در عراق و طراحی نظام تبدیل برای رژیم بعث. این جلسات عمدتاً در تهران و در پارای موارد در عراق، اقلیم کردستان عراق و دینا برگزار می‌شد. در خلال همین جلسات بود که متوجه توانایی استثنایی شهید سلیمانی شدم. در این جلسات فرماندهان عراقی نقطه‌نظرهای خود را بیان می‌کردند و ایشان به صحبت‌ها خود می‌سپرد و سپس در قالب یکی دو جمله به بحث‌ها سمت‌وسو می‌داد. مسائلی همچون بحث فدرالیسم، مسائل مذهبی و ملی گرایانه و طرح‌های امنیتی و نقشی که گروه‌های معارض عراقی (مخالف با صدام)، چه اسلام‌گرا و چه ملی‌گرا می‌توانستند در خلال این طرح‌ها به‌عهده داشته باشند در این جلسات مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. جلسات مزبور به‌خلاف تصور سایرین، بسیار تخصصی و در سطح بالایی انجام می‌شد.

**ماجرای یک رژه بسیار مهم در عراق پساصدام**  
برهه فوق در حدود دو تا سه سال قبل از سقوط رژیم بعث را در برمی‌گرفت، اما پس از حمله آمریکا به عراق و تغییر رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳، مسائلی هم تغییر کرد و در عمل مسئولیت‌هایی مستقیماً به ما واگذار شد. در این زمان مسأله کلیدی آن بود که نیروهای بدر چگونه می‌توانند وارد بغداد شوند؟ ما از مدت‌ها قبل پیرامون طرح آمریکا برای حمله به عراق مطلع بودیم و در قالب لشکر امام علی (ع) در حال آماده‌سازی نیروهای خود برای ورود به عراق بودیم. این لشکر متشکل از ۱۸۵۰ نفر نیرو در منطقه میدان در دربندبخان متمرکز بود و با بمباران عراق به دست نظامیان آمریکایی مخالف بود. ما با همکاری مرحوم جلال طالبانی، رئیس جمهور فقید عراق تلاش کردیم از این لشکر محافظت کنیم و همزمان با روزهای آغاز تهاجم



ایران بر سر موضوعات مورد توافق طرفین کاملاً از برادران عراقی خود حمایت می‌کرد و در موضوعاتی که با هم اختلاف نظر داریم، به رویکرد طرف عراقی احترام می‌گذاشت و در عین حفظ دیدگاه‌های خود، از مداخله یا تحمیل هر چیز به طرف عراقی خودداری می‌کرد. من حتی یک روز هم به یاد ندارم که چیزی از سوی ایران بر ما تحمیل شده باشد

دیدگاه‌های خود، از مداخله یا تحمیل هر چیز به طرف عراقی خودداری می‌کرد. من حتی یک روز هم به یاد ندارم که چیزی از سوی ایران بر ما تحمیل شده باشد



در آخرین دیدار در حالی که از هم جدا می‌شدیم، گفت: در سفراتی به بغداد پاسخ را همراه خود خواهیم آورد. در حقیقت پیامی که حاج قاسم با خود آورده بود پاسخ بود یا نه

عربستان بود. در نهایت باید روندی بود که راه را برای مذاکرات آتی باز کرد و در ادامه آن دیداری بین طرف‌های سعودی و ایرانی در عراق برگزار شد و بعد از چندین جلسه این دیدارها به عمان منتقل و با مساعی جمعیله چین، توافق بین ایران و عربستان حاصل شد

شب‌ها زود می‌خوایم اما آن شب تا ساعت یک نیمه‌شب بیدار ماندم و تلاش می‌کردم تصوراتم را از دیدار فردا و آنچه باید در مورد آن صحبت کنیم، روی کاغذ بیاورم، چرا که وضعیت آن روزهای عراق بسیار سخت و بحرانی بود. در این شرایط ابتدا از خبر انفجار در فرودگاه بغداد مطلع شدم. تا آن لحظه از نحوه سفر سردار سلیمانی به بغداد اطلاعی نداشتم و نمی‌دانستم حاج قاسم از چه مسیری برای ملاقات تشریف می‌آورند. ایشان همواره شخصاً اقدامات پشتیبانی مربوط به سفر و تردد خود را سازماندهی می‌کرد و این روندی بود که برای ده‌ها استمرار داشت. عبدالمهدی در ادامه اظهار داشت: با گذشت زمان به‌تدریج مطلع شدیم که شخصیت مهمی در انفجار بغداد ترور شده، اما پس از مشاهده تصویر انگشتر ایشان بود که یقین پیدا کردم سردار سلیمانی هدف قرار گرفته و به شهادت رسیده است. نخستین یار یکی از شبکه‌های اجتماعی خبر ترور شهید سلیمانی را اعلام کرد. ساعت نزدیک به دو و نیم با سه بامداد بود که با تماس‌های سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد و تماس تلفنی مصطفی الکاظمی، رئیس وقت دستگاه اطلاعات عراق و مدیر دفترم از خانه به سمت دفتر کارم حرکت کردم و پس از ورود به دفتر، شروع به پیگیری اخبار کردیم. در آن لحظات خبر شهادت شهید سلیمانی به تواتر و پشت سرهم در حال تأیید بود و طبیعی بود که ما به تمهیدات امنیتی مرتبط با این حادثه و آغاز تحقیقات بپردازیم.

### شب ترور حاج قاسم سلیمانی

نخست‌وزیر وقت عراق در زمان ترور شهید سلیمانی در تشریح جزئیات شب شهادت فرمانده سابق سپاه قدس و فرمانده وقت نیروهای حشد الشعبی گفت: من و شهید سلیمانی قرار بود ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد با یکدیگر دیدار کنیم. من معمولاً



برض

### ماجرای نامه شهید سلیمانی خطاب به سعودی‌ها

عادل عبدالمهدی در بخشی از مصاحبه خود با تسنیم در مورد تلاش‌های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به منظور میانجیگری میان تهران و ریاض گفت: من ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۹ در یکن بودم که شهید سلیمانی در تماسی از من خواست در صورت امکان به عربستان سفر کنم. از وی دلیل این درخواست را جویا شدم و ایشان که از تمایل من برای میانجیگری میان ایران و عربستان بویژه پس از حادثه آرامکو‌گاه بود با این خواسته موافقت کرده بود. به ایشان گفتم من به‌تازگی به عربستان سفر کرده‌ام، با این حال پس از بازگشت به بغداد با مقامات سعودی تماس خواهم گرفت و در صورت موافقت آنها به ریاض سفر خواهم کرد. من پس از بازگشت به بغداد با مقامات سعودی تماس گرفتم و از قصد خود برای سفر به ریاض صحبت کردم. آنها از من پرسیدند هدف از این دیدار چیست؟ گفتم، میانجیگری میان شما و جمهوری اسلامی ایران. آنها سپس پرسیدند طرف حساب ما کیست؟ گفتم سلیمانی، گفتند: بسیار خوب، تشریف بیاورید.

در همان شب با هماهنگی مقامات عربستان راهی این کشور شدم و پس از استقبال پادشاه این کشور به دیدار محمد بن سلمان ولیعهد عربستان رفتم. در دیدار با ولیعهد سعودی متوجه شدم که وی موضع غیردوستانه‌ای نسبت به ایران دارد و در همان آغاز گفت‌وگو گفت این اقدام بی‌فایده است. اما من در ادامه به او گفتم آیا خواهان جنگ با جمهوری اسلامی ایران هستید؟ بن سلمان گفت: نه، خواهان جنگ نیستیم، گفتم: بسیار خوب، اگر خواهان جنگ نیستید، خواهان مذاکره هم نیستید، پس چه می‌خواهید؟ باید چیزی وجود داشته باشد، در غیر این صورت احتمال جنگ وجود دارد.

بن سلمان در پاسخ به تشکیک من نسبت به حسن نیت طرف سعودی گفت: پیشنهاد شما چیست؟ به او گفتم، روزنه‌هایی باز و ایجاد کنیم. شکایت و اعتراض شما چیست؟ با بیان این شکایت‌ها و اعتراض‌ها باب مذاکره و گفت‌وگو نیز باز خواهد شد تا از این طریق به توافقاتی برسیم. پیش از این نیز در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و ملک عبدالله چنین ابتکاری رقم خورده بود.

بن سلمان با قبول خواسته من، بذیرفت تا نامه‌ای در همین زمینه خطاب به مقامات ایرانی تدوین کند. اما زمانی که نامه را دریافت کردم متوجه لحن بشدت خشک و نامیدکننده آن شدم. نامه را به من نشان دادند تا اگر نظری در مورد آن دارم، ابراز کنم. من در پاسخ گفتم، چنین نامه‌ای بیشتر موجب تنش در روابط دو کشور خواهد شد و کمکی به حل مشکلات نخواهد کرد. در واکنش به نامه ولیعهد سعودی، نامه دیگری خطاب به وی نوشتم که لحن دیپلماتیک‌تر و رسمی‌تری داشت و در آن به این آیه اشاره کردم که «همگی به ریسمان خدا متوسل شوید و متفرق نشوید». نامه من بیشتر شکل پرسشی داشت. این شرایطی بود که شهید سلیمانی وقتی نامه نخست سعودی‌ها را دیده بود، گفته بود که ما آن را نمی‌پذیریم. به شهید سلیمانی اطلاع دادیم که ما نامه اصلاح شده را برای سعودی‌ها فرستاده‌ایم و منتظر بازگشت نامه به شکل اصلاح‌شده هستیم. در واکنش به نامه ما اصلاحات خوبی از سوی سعودی‌ها انجام شد که در عمل بسیار بهتر از نامه نخست بود و با ادبیات متعارف میان دو کشوری نوشته بود که به فکر آینده‌ای متفاوت‌تر از وضعیت حاکم بین آنها بود.

شهید سلیمانی وقتی این نامه را دید، گفت به این نامه پاسخ می‌دهیم. مدت کوتاهی گذشت، برادران سعودی سؤال کردند، پاسخ ایرانی‌ها چه شد؟ وقتی برادر سلیمانی بار دیگر به بغداد آمد از او سؤال کردم. در آخرین دیدار در حالی که از هم جدا می‌شدیم، گفت: در سفراتی به بغداد پاسخ را همراه خود خواهیم آورد. در حقیقت پیامی که حاج قاسم با خود آورده بود پاسخ بود یا نه

عربستان بود. در نهایت باید روندی بود که راه را برای مذاکرات آتی باز کرد و در ادامه آن دیداری بین طرف‌های سعودی و ایرانی در عراق برگزار شد و بعد از چندین جلسه این دیدارها به عمان منتقل و با مساعی جمعیله چین، توافق بین ایران و عربستان حاصل شد



ایشان در دفاع از دولت و ملت عراق در برابر تهدید داعش و دیگر گروه‌های تکفیری افزود: خطر یورش گروه‌های تکفیری تنها به اربیل محدود نمی‌شد، بلکه هدف نهایی آن، سقوط بغداد بود. در همان زمان نگرانی زیادی وجود داشت که بغداد نیز ممکن است به سرنوشت بسیاری از مناطق دیگر عراق مبتلا شود و سقوط کند و در صورتی که آن اتفاق رخ می‌داد، اثر روانی بدی را برای سایر استان‌ها رقم می‌زد و خطر سقوط دومینووار سایر مناطق دور از ذهن نبود. با این حال شهید سلیمانی از همان لحظات نخست هجوم داعش، راهی عراق شد. من در ابتدا در اربیل با ایشان دیدار کردم. من و شیخ محمد تقی مولا از علمای شهر موصل قصد داشتیم راهی تلعفر شویم، اما سردار سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس که پیش از ما به آنجا سفر کرده بودند در تماس تلفنی از ما خواستند از اربیل خارج نشویم. شهید سلیمانی از زمین بود، به‌سمت آن گلوله شلیک شد. شهید سلیمانی در حال برخاستن از زمین بود، به‌سمت آن گلوله شلیک شد. شهید سلیمانی در همین زمان در جلساتی با فرماندهان و تشریح آخرین وضعیت جبهه نبرد از روی نقشه‌هایی که به همراه خود آورده بود، کرد و اولویت‌های هر محور و نقاط ضعف دفاع از بغداد، نحوه ایمن‌سازی و سن‌گرنندی پیرامون شهر را ترسیم کرد. من در آن لحظه اعتقاد داشتم که هیچ فرمانده عراقی وجود نداشت که به‌طور کامل از صحنه عملیات آگاه باشد و گواه درستی ادعای من سقوط شهر موصل بود که طی آن عملاً شاهد سقوط کامل شهر بودیم، به‌عوض، شهید سلیمانی تصویر کاملی از جبهه‌های نبرد از دجله تا طارمیه و فلوجه ارائه کرد، اولویت‌ها و نحوه به عقب راندن نیروهای تکفیری داش را ترسیم کرد. تنها زمانی که حشد الشعبی وارد صحنه شد و به نیروی اصلی پیشران در خطوط نبرد عراق با نیروهای تکفیری مبدل شد شاهد توقف پیشروی‌ها و آغاز عقب‌نشینی نیروهای داعش از مناطق حساس و راهبردی عراق بودیم.

**شهیدان سلیمانی و ابومهدی المهندس یک روح در دو بدن بودند**  
عبدالمهدی در توصیف روابط حاکم بر مناسبات شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس این‌دو را به روحی در دو پیکر تشبیه کرد و افزود: همواره و از سال‌های بسیار دور رابطه‌ای قوی بین آنها برقرار بود، چه در زمان معارضین رژیم صدام، چه در مراحل پس از سقوط رژیم بعث و آغاز روند قانونگذاری و اداره کشور و تدوین قانون اساسی، چه در مواجهه با نیروهای القاعده و بعدها داعش؛

اختیارات قوای سه گانه و نحوه تعامل آن با دیگر نیروهای عراقی مانند کرد‌ها، اهل سنت، شیعیان، ترکمنی‌ها، مسیحیان و غیره می‌پرداختیم. از این جا بود که روابط شخصی من و شهید سلیمانی به سرعت تقویت و به رابطه‌ای بسیار نزدیک و صمیمانه مبدل شد. ما در خلال این جلسات ضمن بحث پیرامون تحولات جاری تبیین کاملی از موقعیت ایران و عراق و ترتیبات امنیتی حاکم بر منطقه ارائه می‌کردیم و به مرور نقش بازیگران خارجی در معادلات حاکم بر منطقه می‌پرداختیم. این مسأله در ادامه به جلسات تفصیلی میان ما و مقامات ارشد وقت جمهوری اسلامی ایران منجر شد که در آن به مسائلی همچون تسهیل دیدار مقامات ارشد ایرانی و عراقی و گسترش همکاری‌های اقتصادی و توسعه روابط دو کشور پرداخته می‌شد. یکی از محورهای مهم این جلسات، تلاش برای کاهش اثرات جنگ ۸ ساله میان دو کشور بود.

عبدالمهدی سپس با تشریح جایگاه سردار سلیمانی در سازماندهی مخالفین رژیم صدام و تعامل آنها با مقامات ارشد ایرانی افزود: اصلی بنیادین بر تعاملات معارضین عراقی با مقامات ارشد ایرانی بویژه شخص رهبر معظم انقلاب اسلامی حاکم بود؛ ایران بر سر موضوعات مورد توافق طرفین کاملاً از برادران عراقی خود حمایت می‌کرد و در موضوعاتی که با هم اختلاف نظر داریم، به رویکرد طرف عراقی احترام می‌گذاشت و در عین حفظ دیدگاه‌های خود، از مداخله یا تحمیل هر چیز به طرف عراقی خودداری می‌کرد. من حتی یک روز هم به یاد ندارم که چیزی از سوی ایران بر ما تحمیل شده باشد. رابطه میان عراق و ایران بسیار برادرانه است، آنچه که عمدتاً در خارج از کشور طرح می‌شود صرفاً زاینده ذهن طرف‌های بیگانه است، چون بر نحوه تعاملات آنها روابطی برقرار است و فرودست حاکم است؛ تصور می‌کنند این قاعده در مورد سایرین نیز صدق می‌کند.

**شهید سلیمانی همواره از حق دفاع می‌کرد**  
نخست‌وزیر اسبق عراق در تشریح رویکرد سردار سلیمانی به اختلاف‌نظرهای طرف‌های ایرانی عراقی نسبت به روند‌های حاکم بر مناسبات دو کشور و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید کرد: در جلسات مشترک برادران ایرانی و عراقی در بسیاری موارد شاهد بودیم که طرف ایرانی از مواضع کشور خود دفاع می‌کرد و طرف عراقی نیز به همین شکل از رویکرد کشور خود حمایت می‌کرد، اما شهید سلیمانی همواره از حق دفاع می‌کرد، حتی اگر این مسأله با رویکرد مدنظر طرف ایرانی در تعارض بود. من به شخصه بارها شاهد بودم که ایشان با دیدگاه عراقی‌ها همدلی بیشتری نشان می‌داد که طبیعتاً در تقابل با نگاه [برخی] برادران ایرانی بود. ما همواره شهید سلیمانی را یک برادر واقعی برای خود می‌پنداشتیم. البته طبیعی بود که هزار گاه بین ما نیز بحث‌های برادرانه‌ای هم رخ دهد، اما همه می‌دانستند که هدف همه در نهایت منافع و مصلحت عمومی است.

نخست‌وزیر اسبق عراق در تشریح نقش آفرینی سردار سلیمانی در نبرد با گروه‌های تکفیری در عراق را تمجید از نقش بی‌بدیل و مثال‌زدنی